

سپیده گزارش - هادی رضایی - در شرایطی که

تنش‌های نظامی میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا به

یکی از محورهای اصلی تحولات منطقه تبدیل شده‌است، موضع‌گیری فرماندهان ارشد نیروهای مسلح کشورمان درباره حضور نظامی واشنگتن در خلیج فارس، حامل پیامی فراتر از یک هشدار متعارف نظامی است. این پیام بر دو محور اصلی استوار است: تأکید بر توان بازدارندگی ایران در محیط پیرامونی خود و هشدار نسبت به پیامدهای ادامه سیاست فشار و تهدید علیه کشورمان.

سرلشکر علی عبداللهی در پیامی با اشاره به توان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که نیروی دریایی آمریکا، با وجود جایگاهی که واشنگتن برای آن در ساختار قدرت نظامی خود قائل است، در نتیجه اقدامات نیروهای مسلح کشورمان با محدودیت‌هایی جدی مواجه شده‌است. وی همچنین تأکید کرد که تهران اجازه ورود شناورهای نظامی آمریکا به خلیج فارس را نخواهد داد.

این اظهارات را باید در چارچوب راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران و اهمیت جغرافیایی خلیج فارس ارزیابی کرد؛ منطقه‌ای که علاوه بر همسایگی با سواحل ایران، یکی از مهم‌ترین کانون‌های تجارت دریایی و انتقال انرژی در جهان به شمار می‌رود. از این منظر، هر گونه تشدید رویارویی نظامی در این پهنه، صرفاً به طرف‌های درگیر محدود نمی‌ماند و می‌تواند پیامدهایی گسترده‌تر برای امنیت منطقه‌ای و اقتصاد جهانی به همراه داشته باشد.

#### تناقض در ادعاهای واشنگتن؛ پرسشی که همچنان باقی است

یکی از محورهای مهم پیام سرلشکر عبداللهی، اشاره به تناقض در مواضع دونالد ترامپ درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است. رئیس‌جمهور آمریکا در مقاطع مختلف مدعی وارد آمدن خسارت گسترده به تأسیسات هسته‌ای کشورمان شده و در عین حال، همچنان بر ضرورت جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای تأکید کرده‌است. عبداللهی با طرح این پرسش که اگر به ادعای واشنگتن همه تأسیسات مورد نظر نابود شده‌اند، تکرار تهدیدها علیه ایران چه معنایی دارد، این مواضع را متناقض و در راستای تأثیرگذاری بر افکار عمومی توصیف کرده‌است. تداوم چنین ادعاهایی را می‌توان از دو زاویه بررسی کرد. نخست، دولت آمریکا با طرح ادعای وارد کردن خسارت به تأسیسات‌های ایران، در پی نمایش دستاوردهای نظامی خود است؛ دوم، ادامه تأکید بر جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای نشان می‌دهد که موضوع هسته‌ای همچنان بخشی از چارچوب سیاست امنیتی واشنگتن در قبال تهران باقی مانده‌است.

البته ارزیابی میزان خسارت وارده به تأسیسات هسته‌ای و تعیین وضعیت کنونی این تأسیسات، به اطلاعات فنی و ارزیابی‌های مستقل نیاز دارد و صرف تکرار ادعاهای سیاسی، جایگزین چنین بررسی‌هایی نمی‌شود. با این حال، پرسش مطرح‌شده در پیام رئیس‌ستاد کل نیروهای مسلح، توجه را به فاصله میان ادعاهای اعلام‌شده درباره نتایج عملیات نظامی و استمرار سیاست تهدید معطوف می‌کند.

در بخش دیگری از پیام رئیس‌ستاد کل نیروهای مسلح، موضوع حضور ناوهای آمریکایی در خلیج فارس به صراحت مورد توجه قرار گرفته‌است. سرلشکر عبداللهی تأکید کرده که جمهوری اسلامی ایران در هیچ شرایطی اجازه ورود شناورهای نظامی آمریکا به این پهنه آبی را نخواهد داد؛ موضعی که نشان‌دهنده تأکید تهران بر نقش خود در ترتیبات امنیتی منطقه است.

اهمیت این موضع‌گیری را باید در پیوند میان جغرافیا و قدرت نظامی جست‌وجو کرد. خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان مجموعه‌ای به هم پیوسته از مسیرهای حیاتی برای تجارت دریایی و انتقال انرژی هستند. حضور نیروهای نظامی فرامنطقه‌ای در این محدوده نیز همواره یکی از موضوعات اختلافی میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا بوده‌است. از نگاه تهران، امنیت پایدار منطقه باید بر پایه نقش‌آفرینی کشورهای ساحلی و احترام به ملاحظات امنیتی آنها شکل بگیرد، در مقابل، واشنگتن حضور نظامی خود را بخشی از تعهدات امنیتی‌اش به متحدان منطقه‌ای معرفی می‌کند. این اختلاف دیدگاه، یکی از ریشه‌های اصلی رقابت راهبردی دو طرف در خلیج فارس است و البته ایران.

پیام سرلشکر عبداللهی در چنین بستری، تلاشی برای انتقال این مفهوم است که تهدید نظامی و اتکا به ناوگان دریایی آمریکا لزوماً به معنای تحقق اهداف واشنگتن نخواهد بود. با این حال، سنجش میزان تغییر موازنه نظامی در منطقه، مستلزم بررسی مجموعه‌ای از شاخص‌ها، از جمله آرایش نیروها، توان عملیاتی، دسترسی به پایگاه‌ها و وضعیت واقعی تردد شناورهاست؛ نه صرفاً اتکا به اظهارات طرف‌های آمریکایی. در کنار پیام نظامی سرلشکر عبداللهی، گزارش روابط عمومی نیروی دریایی سپاه پاسدار انقلاب اسلامی درباره برخورد و ابرنفتکش با مین دریایی در مسیر جنوبی تنگه هرمز، بار دیگر توجه‌ها را به اهمیت این آبراه جلب کرده‌است.

بر اساس اعلام نیروی دریایی سپاه که در گزارش‌های رسانه‌ای نیز بازتاب یافته، دو نفتکش هنگام تلاش برای عبور از مسیری که تهران

و اکاوی پیام نظامی ایران به آمریکا؛

## تنگه هرمز در کانون تقابل تهران و واشنگتن

«خلیج فارس» از پیام بازدارندگی تا معادله حضور نظامی آمریکا



عمومی داخلی نیز دارد. دوم، پیوند امنیتی دریایی با امنیت انرژی. حوادث تنگه هرمز نشان می‌دهد که رویارویی نظامی در این منطقه به سرعت می‌تواند از حوزه نظامی فراتر برود و بر تجارت، قیمت انرژی و امنیت کشتیرانی اثر بگذارد. به همین دلیل، تحولات این آبراه تنها موضوعی منطقه‌ای نیست و پیامدهای بین‌المللی دارد و آمریکایی‌ها با هدف آسیب به ایران اقدام به ناامنی تنگه هرمز کرده‌اند باید بدانند که این اقدام نابخردانه آنها اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار داده‌است.

سوم؛ اهمیت مدیریت پیامدهای تقابل. توان نظامی و ظرفیت جغرافیایی، مؤلفه‌های مهم قدرت ملی هستند؛ اما تبدیل آنها به دستاوردی پایدار، به مدیریت هوشمندانه بحران نیز وابسته‌است. هر چه دامنه رویارویی گسترش یابد، احتمال افزایش هزینه‌های اقتصادی و انسانی برای طرف‌های درگیر بیشتر می‌شود. از این منظر، بازدارندگی مؤثر صرفاً به نمایش قدرت محدود نیست، بلکه باید از امنیت ملی و منافع بلندمدت کشور نیز صیانت کند.

#### «جمع‌بندی» پیام تهران به واشنگتن چه معنایی دارد؟

پیام سرلشکر علی عبداللهی را می‌توان اعلام موضعی صریح درباره خطوط قرمز نظامی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس نمایش‌بی اثر بودن سیاست تهدید واشنگتن دانست. هم‌زمان، گزارش برخورد و ابرنفتکش با مین دریایی، بار دیگر نشان داده‌است که امنیت تنگه هرمز تا چه اندازه با معادلات منطقه‌ای و اقتصاد جهانی گره خورده‌است.

در ادبیات تحلیل راهبردی و محافل اندیشکده‌های غرب، گهگاه گزاره‌ای خطا با هدف کوچک‌سازی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران تکرار می‌شود: «کارت تنگه هرمز دیگر کارایی ندارد و سوخته‌است.» متأسفانه برخی در داخل نیز این گزاره را طوطی‌وار تکرار می‌کنند.

اما واقعیت میدان، در تضاد با این انگاره‌های سطحی است. تنگه هرمز هرگز به یک ابزار فاقد کارکرد یا نمادین تبدیل نمی‌شود؛ بلکه شریان حیاتی انرژی جهان است که صبغه و کارآمدی آن روزبه‌روز احیا و تقویت می‌شود. برای اثبات زنده بودن این اهرم سترگ، نیازی به استدلال‌های انتزاعی نیست؛ کافی است به داده‌های ملموس و معادلات بازار انرژی رجوع کنیم. در این مقطع حساس، با تشدید تمرکز و عملیات مداوم ایران علیه شناورها و نفتکش‌های متخلف عبوری از کریدور جنوبی و اصطلاحاً عمانی تنگه هرمز، معادله امنیت انرژی دگرگون شده‌است. فشار عملیاتی فزاینده در کریدور جنوبی، امنیت تردهای تجاری را به شدت متزلزل ساخته‌است.

طی روزهای اخیر در نتیجه اقدامات قانونی سپاه و ارتش و همچنین مین‌های کارگذاری شده، حجم عبور انرژی یا همان نشئی ترانزیتی کریدور جنوبی در تنگه هرمز با سرعتی بی‌سابقه به زیر یک میلیون بشکه در روز سقوط کرده‌است. این شوک ساختاری در عرضه، تعادل بازار را برهم زد و نپای هر بشکه نفت خام با جهشی خیره‌کننده از ۹۵ دلار به آستانه ۱۲۰ دلار پرتاب شد.

مجموع تحولات بیانگر استیلای کامل ایران بر پهنه تنگه هرمز است. معادلات امنیتی خلیج فارس در چنبره اراده راهبردی ایران تبلور یافته‌است؛ جهانپان باید بدانند که تنگه هرمز، نه یک آبراه بین‌المللی خنثی که کاتال تنفس و عرصه اقتدار دریایی جمهوری اسلامی است، حاکمیت عملیاتی ایران بر پهنه تنگه هرمز، ژئوپلتیک انرژی را به تعظیم واداشته و کلید گشایش و بستن شریان حیاتی اقتصاد جهان را تمام‌قد در دستان تهران قرار داده‌است.

آن را غیرمجاز اعلام کرده بود، دچار انفجار و آتش‌سوزی شدند. به گفته این نیرو، موتورخانه هر دو شناور از کار افتاد و خدمه آنها کشتی‌ها را ترک کردند. مجموع محموله نفت خام این دو نفتکش نیز بیش از ۴۵ میلیون بشکه اعلام شده‌است. جزئیات این حادثه، از جمله هویت شناورها و علت دقیق انفجارها، هنوز اعلام نشده‌است اما آنچه روشن است این است که این نفت کش‌ها متخلف بوده و به اخطارهای متعدد و مکرر ایران برای هماهنگی برای عبور و همچنین عبور از محل‌های اعلامی توسط ایران توجه نکرده‌اند.

این رویداد، فارغ از جزئیات فنی و عملیاتی آن، یک واقعیت راهبردی را دوباره به هر مرکز توجه آورده‌است: هرگونه اختلال در تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز می‌تواند از سطح یک حادثه دریایی فراتر برود و بر امنیت عرضه انرژی و محاسبات اقتصادی کشورها تأثیر بگذارد و اقدامات امنیتی زوای آمریکادر این منطقه و تحریک کشورها و شناورها برای عدم رعایت اصول اعلامی از سوی ایران این حوادث را در پی داشته است. تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انتقال نفت در جهان است و محدودیت در عبور شناورها، افزایش هزینه بیمه و حمل‌ونقل و نگرانی از تکرار حملات می‌تواند بازار انرژی را با نوسان مواجه کند. گزارش‌های اخیر نیز از کاهش تردد برخی شناورها و افزایش نگرانی‌ها درباره امنیت کشتیرانی در منطقه حکایت دارند.

از همین رو، اهمیت تنگه هرمز فقط به موقعیت جغرافیایی آن محدود نیست؛ این گذرگاه به دلیل پیوند مستقیم با جریان انرژی، در محاسبات سیاسی و امنیتی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جایگاهی ویژه دارد.

#### آیا هرمز تنگه هرمز از کار افتاده است؟

در بخشی از تحلیل‌های مطرح‌شده درباره تحولات اخیر، این ادعا دیده می‌شود که ابزار تنگه هرمز دیگر کارایی گذشته را ندارد. اما تحولات امنیت دریایی نشان می‌دهد که این گذرگاه همچنان در محاسبات راهبردی و اقتصادی جایگاهی تعیین‌کننده دارد.

محدودیت تردد، افزایش خطر برای نفتکش‌ها و نگرانی از گسترش درگیری، همگی نشان می‌دهند که تحولات این منطقه می‌تواند بر بازار جهانی انرژی اثر بگذارد. در واقع، کارکرد راهبردی تنگه هرمز را باید در توان اثرگذاری آن بر محاسبات طرف‌های مقابل جست‌وجو کرد. همین ظرفیت می‌تواند هزینه تصمیم‌های نظامی را افزایش دهد و دولت‌ها را به ارزیابی دوباره پیامدهای تشدید تنش وادار کند.

برای جمهوری اسلامی ایران، همواره و تا پیش از ماجر جوبی‌های اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی تمام توان و ظرفیت خود را برای ارتقا امنیت تنگه هرمز گمارده بود و معتقد است این ظرفیت زمانی بیشترین کارکردپازدارنده را خواهد داشت که با آمادگی نیروهای مسلح، حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی، مدیریت پیامدهای اقتصادی و برخورداری از راهبردی روشن برای جلوگیری از گسترش جنگ همراه باشد.

#### سه پیام راهبردی از تحولات اخیر

مجموع مواضع اعلام‌شده از سوی فرماندهان نیروهای مسلح و گزارش‌های مربوط به حوادث دریایی را می‌توان در چند محور بررسی کرد: نخست، تأکید بر بازدارندگی نظامی. پیام سرلشکر عبداللهی نشان می‌دهد که تهران قصد دارد هزینه هرگونه اقدام نظامی علیه کشورمان را در محاسبات طرف مقابل بر جسته کند. این موضع‌گیری، علاوه بر مخاطب خارجی، پیامی درباره تداوم آمادگی دفاعی به افکار



چهارشنبه-۶ آبان ۱۴۰۵ - سال دوازدهم - شماره ۲۶۲۱

۳

دریاپایه

گفت و گو

مدیرکل دفتر مطالعات، برنامه‌ریزی و آموزش گردشگری وزارت میراث فرهنگی به اقتصادسرآمد می‌گوید:

سند گردشگری دریایی هنوز تدوین نشده‌است



سمیه ملایی-مدیرکل دفتر مطالعات، برنامه‌ریزی و آموزش گردشگری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با اشاره به وضعیت اسناد بالادستی حوزه گردشگری دریایی گفت: در حال حاضر، سند بخشی توسعه گردشگری دریایی بر مبنای مطالعات انجام‌شده در سال ۱۳۹۹ هنوز در دستور کار تدوین قرار نگرفته و سند عملیاتی مشخصی نیز در این زمینه تهیه نشده‌است. ولی تیموری در گفت و گو با خبرنگار اقتصاد سرآمد با اشاره به وضعیت اسناد بالادستی حوزه گردشگری دریایی گفت: در حال حاضر، سند بخشی توسعه گردشگری دریایی بر مبنای مطالعات انجام‌شده در سال ۱۳۹۹ هنوز در دستور کار تدوین قرار نگرفته و سند عملیاتی مشخصی نیز در این زمینه تهیه نشده‌است.

مدیرکل دفتر مطالعات، برنامه‌ریزی و آموزش گردشگری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، بیان کرد: با این حال، فعالیت‌هایی در حوزه گردشگری دریایی در استان‌های ساحلی آغاز شده و موضوع از طریق تشکیل کارگروه‌ها و میزهای تخصصی گردشگری در حال پیگیری است. به گفته وی، بخشی از این اقدامات در چارچوب احکام برنامه هفتم توسعه کشور و با مشارکت دستگاه‌های مسئول در استان‌های ساحلی دنبال می‌شود. در این فرآیند، کارگروه‌های گردشگری دریایی در استان‌های ساحلی با محوریت استانداری‌ها در حال پیگیری موضوعات مرتبط با این حوزه هستند و پروژه‌هایی نیز در این چارچوب مطرح و اجرا می‌شوند. این مقام مسئول در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، تأکید کرد: فعالیت‌های انجام‌شده در استان‌ها باید در نهایت به یک چارچوب منسجم برنامه‌ریزی منتهی شود تا ضمن مشخص شدن اولویت‌ها، مسیر توسعه گردشگری دریایی و ساحلی و نحوه اجرای پروژه‌های مرتبط با آن روشن باشد.

تیموری در ادامه گفته‌های خود با اشاره به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالای گردشگری دریایی در کشور به واسطه وجود دریای خزر، دریای عمان، خلیج فارس، جزایر و نیز نوار ساحلی گسترده در شمال و جنوب کشور بر ضرورت تبدیل این صنعت به یکی از بخش‌های دارای اولویت در صنعت گردشگری کشور تأکید کرد. مدیرکل دفتر مطالعات برنامه‌ریزی و آموزش گردشگری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، بیان داشت: وزارت میراث فرهنگی ضمن بررسی چالش‌ها و مشکلات موجود بر سر راه توسعه گردشگری دریایی و ساحلی، پیشنهادات و راهکارهایی برای حل چالش‌های پیش‌رو در صنعت توریسم دریایی به کارگروه تخصصی ذیل مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال کرد. به گفته وی، در گام نخست، بر اساس تصمیم این کارگروه در مجمع تشخیص مصلحت نظام، تشکیل شورای راهبردی و سیاست‌گذاری گردشگری دریایی در استان‌های ساحلی به ریاست استانداران و دبیری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و عضویت سایر دستگاه‌های مرتبط مصوب شد.